

آينه

آفتاب

- پیام اشتباه به غرب با دوصدایی در داخل**

● محمدجواد حق‌شاس: در ایران تندروها می‌گویند توافق به نفع آمریکا تمام شده و جالب اینکه تندروهای آمریکا نیز بارها از پیروزی طرف ایرانی و شکست قطعی طرف آمریکایی سخن گفتند. از این دو صحبت در می‌بایم که نه باخت طرف آمریکایی صحیح است و نه باخت ایرانیان. برداشت دقیق از نتیجه برجام همان چیزی است که رئیس‌جمهور قبل از سال ۹۲ به آن اشاره داشتند و آن سیاست برد – بردی است که در این زمینه به کار برده شد. طبیعی است که ما برای رسیدن به بخشی از حقوق خودمان، از بخش دیگری از حقوقمان دست کشیدیم. همان‌طور که اروپا نیز دست به این کار زد. به نظر من در برجام دو طرف عاقلانه رفتار کردند. پادمان باشد که بحث تجارت و قرارداد، بحثی نیست که یک‌شبه به نتیجه برسد؛ بلکه نیازمند زمان است تا ارتباطات، دوباره از نو برقرار شوند و این موضوع احتیاج به صبر و تامل و بازگشایی تعاملات دارد . آنهایی که می‌گویند در این زمینه چرا هنوز کشایش اقتصادی بعد از رفع تحریم‌ها رخ نداده، باید به این‌ موضوع توجه کنند که دولت کار خودش را انجام داده است؛ ولی اقدامات غیرقابل‌باز برخی از بخش‌های دیگر است که تلاش دولت را هم تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. ما با دوصدایی در داخل کشور یک پیام غلط به طرف غربی می‌دهیم مبنی‌بر اینکه می‌خواهیم تحریم‌ها ادامه یابد.

اعتراض

- زمان بازنشتگی ژنرال‌ها فرا رسیده است**

محمد رضا تاجیک: وقتی می‌گویم زمان بازنشتگی ژنرال‌ها فرا رسیده است، منظورم کسانی است که هر وقت یک تسابق سیاسی در میان است و توزیع قدرت مطرح می‌شود، حاضر می‌شوند و به عنوان سابقب و ژنرال‌ها می‌خواهند سهمی از این قدرت داشته باشند. اگر بخواییم به این روند ادامه بدهیم، هیچ‌گاه مجال باقی نمی‌ماند برای نسل جوان‌تر. ما وقتی وارد یک تسابق سیاسی می‌شویم، تعداد اندکی را می‌توانیم در مجاری قدرت، در نهادهای قدرت وارد کنیم. این‌طور نیست که حدود نداشت‌ه باشد. آیا در این شرایط باید بیندیشیم که یک نوع گردش‌نخبگان درونی صورت بگیرد؟ آیا بسیاری از نخبگان و ژنرال‌های ما بهتر نیست بازی را از جوان‌ترها واگذار کنند و خود وظیفه مریبگری و هدایت و تربیت را داشته باشند و تجربه و دانش‌شان را به جوان‌ها انتقال بدهند؟… نباید تنها زمانی که به پیادنظام احتیاج داریم، به یاد جوانان بقیتم؛ اما بی‌تردید، برخی از این ژنرال‌ها یاس‌های جریان اصلاح‌طلبی هستند که باید پاس داشته بشوند. اینان سرمایه‌های انسانی و اجتماعی و سرمایه‌های نمادین جریان اصلاح‌طلبی هستند و باید محترم داشته شوند؛ اما لزوماً پادداشت این بزرگان و بزرگواران به آن معنا نیست که هرجا بساط توزیع قدرت برپاست، به آن‌ان دخیل ببندیم. حساب امثال آقای خاتمی جداست. ایشان به عنوان یک رهبر کاریزماتیک جریان محسوب می‌شود و جداکردن جریان اصلاح‌طلبی از ایشان غیرممکن است.

ایران

- ضرورت دیپلماسی پیگیرانه ایران در برجام**

حسن بهشتی‌پور: ایران باید به طور مرتب در فرآیند اجرایی‌شدن برجام، سیاست‌های با حق خود را در طرف مقابل اعلام کند؛ یعنی از آنجایی که کشورمان تاکنون به همه تعهدات هسته‌ای خود در چارچوب برجام پایبند بوده است، توب در زمین طرف مقابل افتاده و آنها هستند که باید تعهدات خود را به نحوی که پیامدهای مثبت آن برای ایران ملموس باشد، اجرایی کنند. بنابراین مسئولان کشور باید در سطحی حداکثری مطالبات خود را از طریق مجاری دیپلماسی و نه از طریق اتهام‌زنی و طرح انتظارات غیرمنطقی پیگیری کنند. باید به صورت یکپارچه مطالبات خود را با تکیه بر توافقات صورت‌گرفته و متکی به منطق دیپلماسی و نه منطق شعار دنبال کنیم تا به نتیجه برسیم.

کیم‌سان

- کدام سند افتخار؟!**

محمدحسین محترم: آقای روحانی در سمنان برای چندمین بار برجام را یک سند افتخار خواند. سؤال این است درحالی‌که خود دریافت‌کنندگان مدال‌های شجاعت هسته‌ای از وزیر امور خارجه و رئیس سازمان انرژی اتمی تا رئیس کل بانک مرکزی و دیگر وزرا بر بدعهدی آمریکا اذعان دارند و از سخنانشان این‌گونه برمی‌آید که تلاش‌های سه‌ساله گذشته به عنوان «تلاش برای هیچ» بوده است و رهبر معظم انقلاب نیز براساس همین نظر و دیدگاه مسئولان و فعالان اقتصادی کشور، از برجام به عنوان «خسارت محض» یاد کردند. آیا افتخارآمیزخواندن برجام واقعیت‌های موجود را عوض خواهد کرد؟ آیا با حلواحلواکردن برجام، دهان مردم شیرین خواهد شد؟ آیا بیان چنین موضوعی موجب نخواهد شد در مسیر اشتباه رفته، همچنان پیش برویم؟ وقتی آقای طرفی اذعان کرد، از خطوط قرمز نظام عبور کردیم و آخر هفته گذشته نیز در نیویورک هنوز به دنبال گفت‌وگو با جان کری برای بررسی نحوه اجرای برجام است- به گفته خود آقای طرفی و جان کری- باید به چه چیز افتخار کرد؟ به برجامی که از طرف ما اجرا شده؛ اما هنوز از طرف آمریکا اجرا نشده، باید افتخار کرد؟

کا **با توجه به داغ شدن کارزار انتخاباتی در آمریکا می‌خواهیم به تصویری جامع از سیاست‌های دو حزب جمهوری خواه و دموکرات در مورد خاورمیانه و ایران دست پیدا کنیم. به‌عنوان پرسش اول، می‌خواهم بدانم اصولاً آیا دو حزب در مورد خاورمیانه یک الگوی رفتاری ثابت دارند و در تاریخ حزبی خود از همان الگوی مشترک پیروی کرده‌اند؟**

تصور غالب بر این است که دو حزب از یک الگوی رفتاری پیروی می‌کنند؛ در مجموع جمهوری خواهان رئالیست محسوب می‌شوند و دموکرات‌ها بیشتر به یک سری مباحث حقوق بشری اهمیت می‌دهند. ولی من چندان با این تصور موافق نیستم. نباید فراموش کنیم که بدنه‌های کارشناسی در همه ارگان‌ها وجود دارد که تقریباً دست‌نخورده باقی می‌مانند چه در وزارت خارجه و چه در سیا و چه در پنتاگون. در نهایت وقتی افراد سیاسی عهده‌دار یک مسئولیت می‌شوند، خیلی نمی‌توانند متفاوت از منظر این بدنه کارشناسی عمل کنند. بنابراین بعد از پایان کمپین‌های تبلیغاتی و انتخابات و مشغول به‌کارشدن، بعد از مدتی با کار آشنا می‌شوند و در همان خط تعریف‌شده عمل می‌کنند. از همین‌رو بعد از آن، در عملکردشان تفاوت ندارد اما نمی‌توان گفت که مثل هم هستند. مثلاً در دوره بوش پسر که جمهوری خواه بود، نتوان‌کا‌ها بر سر کار آمدند که خیلی طرفدار مداخله در امور بودند و آمادگی زیادی برای استفاده از زور داشتند. کارهایی را که آنها می‌کردند نمی‌شد از رئالیست‌های جمهوری خواه مثلاً در دوره بوش پدر انتظار داشت. اما اوایما که به نوعی می‌توان او را نماد رئالیسم محسوب کرد به سادگی دست به جنگ نمی‌زد و تحت عنوان حقوق بشر و مبارزه با تروریسم از نیروی نظامی آمریکا استفاده نمی‌کند و مقاومت می‌کند. حتی خطرمرزهایی را که خودش در مورد سوریه و استفاده از سلاح شیمیایی ترسیم کرده بود، مراعات نکرد و در مواجهه با استفاده از زور، به شدت مقاومت کرد.

- کا** **پس در جاهایی این الگوی رفتاری تغییر کرده است؟**

بله، در دو دهه اخیر می‌بینیم آنچه به‌عنوان یک الگو از دو حزب جمهوری خواه و دموکرات در ذهن افراد بوده، دستخوش تغییراتی شده است. البته اصل را فراموش نکنید، اصل بدنه کارشناسی است که رفتار سیاست خارجی را محدود می‌کند.

- کا** **این بدنه کارشناسی براساس چه فاکتورهایی محدودیت وضع می‌کند؟**

فاکتورهای زیادی ملاک آنهاست. یکی از آنها، ساختار اقتصادی آمریکاست؛ وقتی منابع اقتصادی محدود و تحت فشار هستند، آنها نمی‌توانند حمله نظامی را در دستور کار خود قرار دهند. فاکتور دیگر، مسئله ساخت قدرت است. وقتی دولت و کنگره در یک جهت هستند یا زمانی‌که در دست دو حزب هستند، محدودیت‌هایی را برای رئیس جمهوری ایجاد می‌کند. مسئله دیگر هم‌پیمانانشان است، مثلاً اروپایی‌ها چه موضعی نسبت به فردی که در واشنگتن روی کار آمده، دارند؟ چقدر فردی که سر کار می‌آید از نظر آنها مشروعیت دارد و چقدر می‌تواند آنها را برای یک هدف بسیج کند؟ مثلاً اوایما به خاطر مشروعیتی که داشت، توانست تحریم‌های شدیدی علیه ایران وضع و اعمال کند. اگر چه بیل کلینتون هم قبلاً تحریم‌هایی وضع کرده بود اما موفق نشد آنها را عملیاتی کند. اما اوایما این توانمندی و مشروعیت را داشت و دنیا را به دنبال خود کشاند. در همین موضوع می‌توان گفت که بوش پسر، مشروعیت مورد نیاز برای انجام این کار را نداشت. بنابراین اینک رئیس‌جمهور آمریکا از چه جایگاهی برخوردار است و موافقان او در اروپا چه برداشتی نسبت به او دارند و چقدر او را مشروع می‌دانند و… همه در شکل‌دهی کلیت سیاست خارجی آمریکا و ارتباطش با خاورمیانه مؤثر است. نیروی مؤثر دیگری هم در شکل‌دهی به این سیاست‌ها مؤثر است که آن، «ایپک» یا طرفداران اسرائیل هستند. آنها نقش مهمی در شکل‌دهی به سیاست خارجی آمریکا در خاورمیانه دارند، نه در آسیا و نه در آمریکای لاتین بلکه فقط در خاورمیانه، و هر سیاستی که بخواهد وضع شود، آنها می‌توانند نقش مهمی در آن سیاست ایفا کنند.

کا **اما با توجه به سیاست‌های این دو حزب و سابقه تاریخی که در مورد عملکرد آنها در خاورمیانه وجود دارد ما همیشه از زوی کارآمدن جمهوری خواهان ترسیده‌ایم، درحالی‌که مثلاً اوایمای دموکرات هم با وضع و اجرای تحریم‌ها، خیلی به نفع ما، عمل نکرد.**

البته برداشت غالب، این نیست. برداشت غالب این است که به‌طورکلی کشورهای خاورمیانه ازجمله ایران، از جمهوری خواهان بیشتر خوششان می‌آید. مثلاً شاه با جمهوری خواهان ارتباط بهتری داشت و بعد از انقلاب هم امتیازی که ما در مقابل کارتر به ریگان دادیم یک عامل تأثیرگذار در شکست کارتر بود. درمجموع این برداشت وجود دارد که ما با جمهوری خواهان راحت‌تر می‌توانیم کار کنیم نه با دموکرات‌ها؛ البته ما این نظر را قبول ندارم.

- کا** **حزب جمهوری خواه و دموکرات در خاورمیانه بیشتر به‌دنبال چه هستند؟ به‌طور مشخص الگوی رفتاری آنها در خاورمیانه چگونه تعریف می‌شود؟**

براساس آنچه خودشان می‌گویند تأمین امنیت اسرائیل برایشان اصل است؛ همچنین عبور این

دیپلماسی



عکس:

رونوشت رستفنی، شرق

تحلیل ناصرهادیان از انتخابات آمریکا

پیروزی ترامپ به نفع ایران است

هیلاری برنده شود، برجام سخت گیرانه اجرا می شود

زینب اسماعیلی

ترامپ با کلیتون؟ جمهوری خواه یا دموکرات؟ فی الواقع روی کارآمدن کدام یک از رقبای انتخابات آمریکا به نفع ایران در شرایط فعلی است؟ این سؤال بدون شک ذهن بسیاری را به خود درگیر کرده است. این بحث و اساساً الگوی رفتاری دو حزب آمریکایی در مواجهه با خاورمیانه و ایران را با ناصر هادیان، استاد روابط بین الملل در میان گذاشتیم. او معتقد است روی کارآمدن ترامپ تندرو از آنجا که یک تاجر است، به ضرر ایران نخواهد بود به‌ویژه آنکه او مشروعیت بین المللی زیادی ندارد؛ اگرچه او راه یافتن ترامپ به کاخ سفید را بعید می‌داند. هادیان، برنده انتخابات آمریکا را هیلاری کلینتون می‌داند و معتقد است که او در مواجهه با ایران و اجرای برجام، سخت گیرانه تر از اوایما عمل می‌کند. با ناصر هادیان، استاد روابط بین الملل دانشگاه تهران، در مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام گفت‌وگو کردیم. تمایل نداشت به بحث تاریخی خیلی وارد شود، اما در مرور شرایط فعلی رابطه دو کشور، دورنمای دیپلماسی را سخت می‌بیند، آنچنان که معتقد است باید ستادی راهبردی برای تنظیم برخی مسائل این حوزه تشکیل شود.

نفت از گذرگاه‌های اصلی مثل خلیج فارس، بایئات‌کردن خاورمیانه و حمایت از آن چیزی که آن را دولت‌های هم‌پیمان با خود اعلام می‌کنند. این اصول کلی است که هر دو حزب با آن موافق هستند. البته ممکن است مثلاً در مورد حمایت از یک هم‌پیمان، مثلاً یکی از دادن سلاح دفاع کند و دیگری از بایئات‌کردن از طریق دموکراسی سخن بگوید. ممکن است بر سر مصداق حمایت با هم اختلاف داشته باشند اما این اختلاف، خیلی به حزب و نگاه حزبی آنها برنمی‌گردد. مثلاً همین الان اگر ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا شود، دیدگاهش با کروز فرق می‌کند و کروز با دیگری فرق دارد و… . در بین دموکرات‌ها هم همین‌طور؛ دیدگاه‌های سندرز با کلینتون فرق دارد درحالی‌که همگی آنها در عرصه حمایت و تأمین امنیت اسرائیل را در دستور کار خود دارند.

- کا** **دراین بین سیاست این دو حزب در مورد ایران چطور است؟**
- درحال حاضر سیاست آمریکا چیزی است که من اسمش را گذاشته‌ام «مهار به علاوه تعامل گزینشی». سیاست کلی آمریکا، مهار ایران است و این مهار، شاخص‌های متفاوتی هم دارد؛ در عرصه اقتصادی محدودکردن توانمندی‌های اقتصادی ما و در عرصه نظامی محدودکردن توانمندی‌های نظامی ما و در عرصه دیپلماتیک منوژی‌کردن دیپلماتیک ما و در عرصه سیاسی بی‌اعتمادسازی
- دنیا نسبت به ایران جزء سیاست مهار آمریکا بوده است که من درمجموع این را سیاست «مهار» نام گذاشته‌ام. اما با همین سیاست و در جاهایی که نیاز دارند و ما هم بدمان نمی‌آید، تعامل گزینشی با ایران داشته‌اند مثل مسئله افغانستان و عراق و برجام. اینها تعامل گزینشی است که ایران و آمریکا

به فرض بعید با رئیس‌جمهورشدن ترامپ هم او نمی‌تواند مشروعیت وضع تحریم علیه ایران و برهم‌زدن برجام را داشته باشد و تنها کاری که می‌تواند انجام دهد، جنگ است که ما باید حواسمان در این مورد جمع باشد. البته در صورت وقوع چنین جنگی، دنیا از او حمایت نمی‌کند؛ بنابراین بهتر از همه برای ما ترامپ است. اما هیلاری کلینتون مشروعیت دارد.

ولی نه مانند افرادی که می‌گویند برجام را پاره می‌کنند. البته اگر آنها هم سر کار بیایند برجام را ادامه خواهند داد اما در اجرا سخت خواهند گرفت. ساختار قدرت در آمریکا محدودیت‌هایی برای همه ایجاد می‌کند.

- کا** **یعنی برای ما کار با جمهوری خواهان سخت‌تر خواهد بود؟**
- خیر، کار با آقای ترامپ از همه راحت‌تر خواهد بود و برای ایران ترامپ از همه کاندیداها بهتر است.
- کا** **چرا چنین تحلیلی دارید؟**
- اول اینکه ترامپ یک «بیزینس‌من» است. معمولاً بیزینس‌من‌ها به قرارداد اهمیت می‌دهند و قراردادی که بسته شده را یک‌طرفه به هم نمی‌زنند. او در پیگیری توافق با ایران سخت می‌گیرد، اما به قرارداد پایبند است. دوم اینکه، او مشروعیت بین‌المللی لازم را ندارد و همین الان دنیا در مقابلش موضع دارد. در داخل آمریکا وضعیتش قوی نیست. پیش‌بینی من این است که ترامپ کاندیدای نهایی جمهوری خواهان است اما هیلاری کلینتون، رئیس‌جمهور بعدی آمریکاست، چون حتی اگر جمهوری خواهان بخوانند ترامپ را خارج از عرف کنار بزنند، فرد جایگزین نمی‌تواند در مدت دو، سه ماه پیروز شود. اگر ترامپ هم کاندیدای نهایی شود، باخته است. مشابه اتفاقی که برای لوپن در فرانسه رخ داد، در

ماجرای کاندیداتوری ترامپ هم، همه وحشت‌زده می‌شوند و حتی بسیاری از جمهوری خواهان هم به هیلاری کلینتون رأی می‌دهند. نه به این خاطر که هیلاری شخصیت مطلوبی است -که اتفاقاً مخالفان بسیاری دارد- به این دلیل که ترامپ به خاطر مواضعی که علیه آمریکای لاتینی‌ها، زنان و مسلمانان مقیم آمریکا گرفته و حرف‌هایی که علیه مکزیک و کانادا زده است و… به‌عنوان شخصیت بسیار نامطلوبی شناخته می‌شود. از همین رو برای آنکه او رأی نیاورد، بسیاری از جمهوری خواهان هم به کلینتون رأی خواهند داد. به فرض بعید با رئیس‌جمهورشدن ترامپ هم او نمی‌تواند مشروعیت وضع تحریم علیه ایران و برهم‌زدن برجام را داشته باشد و تنها کاری که می‌تواند انجام دهد، جنگ است که ما باید حواسمان در این مورد جمع باشد. البته در صورت وقوع چنین جنگی، دنیا از او حمایت نمی‌کند؛ بنابراین بهتر از همه برای ما ترامپ است. اما هیلاری کلینتون مشروعیت دارد و آدم متعارفی است. اگر همه چیز همین‌گونه باشد که الان هست، هیلاری کلینتون برنده انتخابات آمریکا خواهد بود؛ چون نه کروز و نه سنجیچ – بر فرض انتخاب‌شدن از سوی حزب جمهوری خواه – فرصتی ندارند که بخوانند پیروز شوند. سندرز هم نمی‌تواند کاندیدای نهایی حزب دموکرات باشد. اگر هیلاری کلینتون پیروز شود، کار ما در مواجهه با او آسان نخواهد بود. او سیاست را می‌فهمد و وزیر خارجه بوده و همراه همسرش در کاخ سفید بوده است. او بعد از پیروزی، به‌سرعت کار خود را در مورد ایران شروع می‌کند و ادامه عملیاتی‌شدن برجام را به دست خواهد گرفت و در اجرای آن و موضوعات دیگری که با ایران دارند، سخت خواهد گرفت.

- کا** **آیا ممکن است موضوعات دیگری در مورد ایران در زمان کلینتون شروع شود؟ مثل مذاکره در مورد ادعاهای آنها درباره حمایت از تروریسم و حقوق بشر؟**

بله احتمال دارد، اما احتمالش خیلی بالا نیست. البته بحث هسته‌ای هم در دوران هیلاری کلینتون آغاز شد. اما نه‌سا و نه آنها علاقه زیادی به صحبت در مورد موضوعات دیگر نداریم. شاید آنها علاقه بیشتری داشته باشند اما ما اصلاً علاقه نداریم.

- کا** **رابطه هیلاری کلینتون با اسرائیل و اعراب چقدر نزدیک است و چقدر این رابطه می‌تواند به ضرر ما تمام شود؟**

رابطه لابی اسرائیل در آمریکا با هر دو حزب، خوب است. یعنی چیزی را به شانس واگذار نمی‌کند و هر دو حزب نفوذ دارد و پول خرج می‌کند و زیرساخت‌های محکمی دارد. با هیلاری کلینتون هم رابطه خوبی دارند و مانند گذشته تأثیرگذار خودشان را در خاورمیانه خواهند داشت و سیاست مهار ایران را به‌شدت ادامه خواهند داد. عربستان هم به همین صورت و شاید از لحاظ‌هایی هم بیشتر و تندتر از اسرائیل باشد. عربستان اکنون بیشتر به دنبال وقوع جنگ و در نهایت تجزیه ایران است. البته نفوذ عربستان خیلی کمتر از نفوذ اسرائیل در واشنگتن است، اما آنها هم پول و لابی خودشان را دارند و فشار می‌کند و زیرساخت‌های محکمی دارد. با هیلاری کلینتون هم رابطه خوبی دارند و مانند گذشته تأثیرگذار خودشان را در خاورمیانه خواهند داشت و سیاست مهار ایران را به‌شدت ادامه خواهند داد. عربستان هم به همین صورت و شاید از لحاظ‌هایی هم بیشتر و تندتر از اسرائیل باشد. عربستان اکنون بیشتر به دنبال وقوع جنگ و در نهایت تجزیه ایران است. البته نفوذ عربستان خیلی کمتر از نفوذ اسرائیل در واشنگتن است، اما آنها هم پول و لابی خودشان را دارند و فشار می‌کند و زیرساخت‌های محکمی دارد. با هیلاری کلینتون هم رابطه خوبی دارند و مانند گذشته تأثیرگذار خودشان را در خاورمیانه خواهند داشت و سیاست مهار ایران را به‌شدت ادامه خواهند داد. عربستان هم به همین صورت و شاید از لحاظ‌هایی هم بیشتر و تندتر از اسرائیل باشد. عربستان اکنون بیشتر به دنبال وقوع جنگ و در نهایت تجزیه ایران است. البته نفوذ عربستان خیلی کمتر از نفوذ اسرائیل در واشنگتن است، اما آنها هم پول و لابی خودشان را دارند و فشار می‌کند و زیرساخت‌های محکمی دارد. با هیلاری کلینتون هم رابطه خوبی دارند و مانند گذشته تأثیرگذار خودشان را در خاورمیانه خواهند داشت و سیاست مهار ایران را به‌شدت ادامه خواهند داد. عربستان هم به همین صورت و شاید از لحاظ‌هایی هم بیشتر و تندتر از اسرائیل باشد. عربستان اکنون بیشتر به دنبال وقوع جنگ و در نهایت تجزیه ایران است. البته نفوذ عربستان خیلی کمتر از نفوذ اسرائیل در واشنگتن است، اما آنها هم پول و لابی خودشان را دارند و فشار می‌کند و زیرساخت‌های محکمی دارد. با هیلاری کلینتون هم رابطه خوبی دارند و مانند گذشته تأثیرگذار خودشان را در خاورمیانه خواهند داشت و سیاست مهار ایران را به‌شدت ادامه خواهند داد. عربستان هم به همین صورت و شاید از لحاظ‌هایی هم بیشتر و تندتر از اسرائیل باشد. عربستان اکنون بیشتر به دنبال وقوع جنگ و در نهایت تجزیه ایران است. البته نفوذ عربستان خیلی کمتر از نفوذ اسرائیل در واشنگتن است، اما آنها هم پول و لابی خودشان را دارند و فشار می‌کند و زیرساخت‌های محکمی دارد. با هیلاری کلینتون هم رابطه خوبی دارند و مانند گذشته تأثیرگذار خودشان را در خاورمیانه خواهند داشت و سیاست مهار ایران را به‌شدت ادامه خواهند داد. عربستان هم به همین صورت و شاید از لحاظ‌هایی هم بیشتر و تندتر از اسرائیل باشد. عربستان اکنون بیشتر به دنبال وقوع جنگ و در نهایت تجزیه ایران است. البته نفوذ عربستان خیلی کمتر از نفوذ اسرائیل در واشنگتن است، اما آنها هم پول و لابی خودشان را دارند و فشار می‌کند و زیرساخت‌های محکمی دارد. با هیلاری کلینتون هم رابطه خوبی دارند و مانند گذشته تأثیرگذار خودشان را در خاورمیانه خواهند داشت و سیاست مهار ایران را به‌شدت ادامه خواهند داد. عربستان هم به همین صورت و شاید از لحاظ‌هایی هم بیشتر و تندتر از اسرائیل باشد. عربستان اکنون بیشتر به دنبال وقوع جنگ و در نهایت تجزیه ایران است. البته نفوذ عربستان خیلی کمتر از نفوذ اسرائیل در واشنگتن است، اما آنها هم پول و لابی خودشان را دارند و فشار می‌کند و زیرساخت‌های محکمی دارد. با هیلاری کلینتون هم رابطه خوبی دارند و مانند گذشته تأثیرگذار خودشان را در خاورمیانه خواهند داشت و سیاست مهار ایران را به‌شدت ادامه خواهند داد. عربستان هم به همین صورت و شاید از لحاظ‌هایی هم بیشتر و تندتر از اسرائیل باشد. عربستان اکنون بیشتر به دنبال وقوع جنگ و در نهایت تجزیه ایران است. البته نفوذ عربستان خیلی کمتر از نفوذ اسرائیل در واشنگتن است، اما آنها هم پول و لابی خودشان را دارند و فشار می‌کند و زیرساخت‌های محکمی دارد. با هیلاری کلینتون هم رابطه خوبی دارند و مانند گذشته تأثیرگذار خودشان را در خاورمیانه خواهند داشت و سیاست مهار ایران را به‌شدت ادامه خواهند داد. عربستان هم به همین صورت و شاید از لحاظ‌هایی هم بیشتر و تندتر از اسرائیل باشد. عربستان اکنون بیشتر به دنبال وقوع جنگ و در نهایت تجزیه ایران است. البته نفوذ عربستان خیلی کمتر از نفوذ اسرائیل در واشنگتن است، اما آنها هم پول و لابی خودشان را دارند و فشار می‌کند و زیرساخت‌های محکمی دارد. با هیلاری کلینتون هم رابطه خوبی دارند و مانند گذشته تأثیرگذار خودشان را در خاورمیانه خواهند داشت و سیاست مهار ایران را به‌شدت ادامه خواهند داد. عربستان هم به همین صورت و شاید از لحاظ‌هایی هم بیشتر و تندتر از اسرائیل باشد. عربستان اکنون بیشتر به دنبال وقوع جنگ و در نهایت تجزیه ایران است. البته نفوذ عربستان خیلی کمتر از نفوذ اسرائیل در واشنگتن است، اما آنها هم پول و لابی خودشان را دارند و فشار می‌کند و زیرساخت‌های محکمی دارد. با هیلاری کلینتون هم رابطه خوبی دارند و مانند گذشته تأثیرگذار خودشان را در خاورمیانه خواهند داشت و سیاست مهار ایران را به‌شدت ادامه خواهند داد. عربستان هم به همین صورت و شاید از لحاظ‌هایی هم بیشتر و تندتر از اسرائیل باشد. عربستان اکنون بیشتر به دنبال وقوع جنگ و در نهایت تجزیه ایران است. البته نفوذ عربستان خیلی کمتر از نفوذ اسرائیل در واشنگتن است، اما آنها هم پول و لابی خودشان را دارند و فشار می‌کند و زیرساخت‌های محکمی دارد. با هیلاری کلینتون هم رابطه خوبی دارند و مانند گذشته تأثیرگذار خودشان را در خاورمیانه خواهند داشت و سیاست مهار ایران را به‌شدت ادامه خواهند داد. عربستان هم به همین صورت و شاید از لحاظ‌هایی هم بیشتر و تندتر از اسرائیل باشد. عربستان اکنون بیشتر به دنبال وقوع جنگ و در نهایت تجزیه ایران است. البته نفوذ عربستان خیلی کمتر از نفوذ اسرائیل در واشنگتن است، اما آنها هم پول و لابی خودشان را دارند و فشار می‌کند و زیرساخت‌های محکمی دارد. با هیلاری کلینتون هم رابطه خوبی دارند و مانند گذشته تأثیرگذار خودشان را در خاورمیانه خواهند داشت و سیاست مهار ایران را به‌شدت ادامه خواهند داد. عربستان هم به همین صورت و شاید از لحاظ‌هایی هم بیشتر و تندتر از اسرائیل باشد. عربستان اکنون بیشتر به دنبال وقوع جنگ و در نهایت تجزیه ایران است. البته نفوذ عربستان خیلی کمتر از نفوذ اسرائیل در واشنگتن است، اما آنها هم پول و لابی خودشان را دارند و فشار می‌کند و زیرساخت‌های محکمی دارد. با هیلاری کلینتون هم رابطه خوبی دارند و مانند گذشته تأثیرگذار خودشان را در خاورمیانه خواهند داشت و سیاست مهار ایران را به‌شدت ادامه خواهند داد. عربستان هم به همین صورت و شاید از لحاظ‌هایی هم بیشتر و تندتر از اسرائیل باشد. عربستان اکنون بیشتر به دنبال وقوع جنگ و در نهایت تجزیه ایران است. البته نفوذ عربستان خیلی کمتر از نفوذ اسرائیل در واشنگتن است، اما آنها هم پول و لابی خودشان را دارند و فشار می‌کند و زیرساخت‌های محکمی دارد. با هیلاری کلینتون هم رابطه خوبی دارند و مانند گذشته تأثیرگذار خودشان را در خاورمیانه خواهند داشت و سیاست مهار ایران را به‌شدت ادامه خواهند داد. عربستان هم به همین صورت و شاید از لحاظ‌هایی هم بیشتر و تندتر از اسرائیل باشد. عربستان اکنون بیشتر به دنبال وقوع جنگ و در نهایت تجزیه ایران است. البته نفوذ عربستان خیلی کمتر از نفوذ اسرائیل در واشنگتن است، اما آنها هم پول و لابی خودشان را دارند و فشار می‌کند و زیرساخت‌های محکمی دارد. با هیلاری کلینتون هم رابطه خوبی دارند و مانند گذشته تأثیرگذار خودشان را در خاورمیانه خواهند داشت و سیاست مهار ایران را به‌شدت ادامه خواهند داد. عربستان هم به همین صورت و شاید از لحاظ‌هایی هم بیشتر و تندتر از اسرائیل باشد. عربستان اکنون بیشتر به دنبال وقوع جنگ و در نهایت تجزیه ایران است. البته نفوذ عربستان خیلی کمتر از نفوذ اسرائیل در واشنگتن است، اما آنها هم پول و لابی خودشان را دارند و فشار می‌کند و زیرساخت‌های محکمی دارد. با هیلاری کلینتون هم رابطه خوبی دارند و مانند گذشته تأثیرگذار خودشان را در خاورمیانه خواهند داشت و سیاست مهار ایران را به‌شدت ادامه خواهند داد. عربستان هم به همین صورت و شاید از لحاظ‌هایی هم بیشتر و تندتر از اسرائیل باشد. عربستان اکنون بیشتر به دنبال وقوع جنگ و در نهایت تجزیه ایران است. البته نفوذ عربستان خیلی کمتر از نفوذ اسرائیل در واشنگتن است، اما آنها هم پول و لابی خودشان را دارند و فشار می‌کند و زیرساخت‌های محکمی دارد. با هیلاری کلینتون هم رابطه خوبی دارند و مانند گذشته تأثیرگذار خودشان را در خاورمیانه خواهند داشت و سیاست مهار ایران را به‌شدت ادامه خواهند داد. عربستان هم به همین صورت و شاید از لحاظ‌هایی هم بیشتر و تندتر از اسرائیل باشد. عربستان اکنون بیشتر به دنبال وقوع جنگ و در نهایت تجزیه ایران است. البته نفوذ عربستان خیلی کمتر از نفوذ اسرائیل در واشنگتن است، اما آنها هم پول و لابی خودشان را دارند و فشار می‌کند و زیرساخت‌های محکمی دارد. با هیلاری کلینتون هم رابطه خوبی دارند و مانند گذشته تأثیرگذار خودشان را در خاورمیانه خواهند داشت و سیاست مهار ایران را به‌شدت ادامه خواهند داد. عربستان هم به همین صورت و شاید از لحاظ‌هایی هم بیشتر و تندتر از اسرائیل باشد. عربستان اکنون بیشتر به دنبال وقوع جنگ و در نهایت تجزیه ایران است. البته نفوذ عربستان خیلی کمتر از نفوذ اسرائیل در واشنگتن است، اما آنها هم پول و لابی خودشان را دارند و فشار می‌کند و زیرساخت‌های محکمی دارد. با هیلاری کلینتون هم رابطه خوبی دارند و مانند گذشته تأثیرگذار خودشان را در خاورمیانه خواهند داشت و سیاست مهار ایران را به‌شدت ادامه خواهند داد. عربستان هم به همین صورت و شاید از لحاظ‌هایی هم بیشتر و تندتر از اسرائیل باشد. عربستان اکنون بیشتر به دنبال وقوع جنگ و در نهایت تجزیه ایران است. البته نفوذ عربستان خیلی کمتر از نفوذ اسرائیل در واشنگتن است، اما آنها هم پول و لابی خودشان را دارند و فشار می‌کند و زیرساخت‌های محکمی دارد. با هیلاری کلینتون هم رابطه خوبی دارند و مانند گذشته تأثیرگذار خودشان را در خاورمیانه خواهند داشت و سیاست مهار ایران را به‌شدت ادامه خواهند داد. عربستان هم به همین صورت و شاید از لحاظ‌هایی هم بیشتر و تندتر از اسرائیل باشد. عربستان اکنون بیشتر به دنبال وقوع جنگ و در نهایت تجزیه ایران است. البته نفوذ عربستان خیلی کمتر از نفوذ اسرائیل در واشنگتن است، اما آنها هم پول و لابی خودشان را دارند و فشار می‌کند و زیرساخت‌های محکمی دارد. با هیلاری کلینتون هم رابطه خوبی دارند و مانند گذشته تأثیرگذار خودشان را در خاورمیانه خواهند داشت و سیاست مهار ایران را به‌شدت ادامه خواهند داد. عربستان هم به همین صورت و شاید از لحاظ‌هایی هم بیشتر و تندتر از اسرائیل باشد. عربستان اکنون بیشتر به دنبال وقوع جنگ و در نهایت تجزیه ایران است. البته نفوذ عربستان خیلی کمتر از نفوذ اسرائیل در واشنگتن است، اما آنها هم پول و لابی خودشان را دارند و فشار می‌کند و زیرساخت‌های محکمی دارد. با هیلاری کلینتون هم رابطه خوبی دارند و مانند گذشته تأثیرگذار خودشان را در خاورمیانه خواهند داشت و سیاست مهار ایران را به‌شدت ادامه خواهند داد. عربستان هم به همین صورت و شاید از لحاظ‌هایی هم بیشتر و تندتر از اسرائیل باشد. عربستان اکنون بیشتر به دنبال وقوع جنگ و در نهایت تجزیه ایران است. البته نفوذ عربستان خیلی کمتر از نفوذ اسرائیل در واشنگتن است، اما آنها هم پول و لابی خودشان را دارند و فشار می‌کند و زیرساخت‌های محکمی دارد. با هیلاری کلینتون هم رابطه خوبی دارند و مانند گذشته تأثیرگذار خودشان را در خاورمیانه خواهند داشت و سیاست مهار ایران را به‌شدت ادامه خواهند داد. عربستان هم به همین صورت و شاید از لحاظ‌هایی هم بیشتر و تندتر از اسرائیل باشد. عربستان اکنون بیشتر به دنبال وقوع جنگ و در نهایت تجزیه ایران است. البته نفوذ عربستان خیلی کمتر از نفوذ اسرائیل در واشنگتن است، اما آنها هم پول و لابی خودشان را دارند و فشار می‌کند و زیرساخت‌های محکمی دارد. با هیلاری کلینتون هم رابطه خوبی دارند و مانند گذشته تأثیرگذار خودشان را در خاورمیانه خواهند داشت و سیاست مهار ایران را به‌شدت ادامه خواهند داد. عربستان هم به همین صورت و شاید از لحاظ‌هایی هم بیشتر و تندتر از اسرائیل باشد. عربستان اکنون بیشتر به دنبال وقوع جنگ و در نهایت تجزیه ایران است. البته نفوذ عربستان خیلی کمتر از نفوذ اسرائیل در واشنگتن است، اما آنها هم پول و لابی خودشان را دارند و فشار می‌کند و زیرساخت‌های محکمی دارد. با هیلاری کلینتون هم رابطه خوبی دارند و مانند گذشته تأثیرگذار خودشان را در خاورمیانه خواهند داشت و سیاست مهار ایران را به‌شدت ادامه خواهند داد. عربستان هم به همین صورت و شاید از لحاظ‌هایی هم بیشتر و تندتر از اسرائیل باشد. عربستان اکنون بیشتر به دنبال وقوع جنگ و در نهایت تجزیه ایران است. البته نفوذ عربستان خیلی کمتر از نفوذ اسرائیل در واشنگتن است، اما آنها هم پول و لابی خودشان را دارند و فشار می‌کند و زیرساخت‌های محکمی دارد. با هیلاری کلینتون هم رابطه خوبی دارند و مانند گذشته تأثیرگذار خودشان را در خاورمیانه خواهند داشت و سیاست مهار ایران را به‌شدت ادامه خواهند داد. عربستان هم به همین صورت و شاید از لحاظ‌هایی هم بیشتر و تندتر از اسرائیل باشد. عربستان اکنون بیشتر به دنبال وقوع جنگ و در نهایت تجزیه ایران است. البته نفوذ عربستان خیلی کمتر از نفوذ اسرائیل در واشنگتن است، اما آنها هم پول و لابی خودشان را دارند و فشار می‌کند و زیرساخت‌های محکمی دارد. با هیلاری کلینتون هم رابطه خوبی دارند و مانند گذشته تأثیرگذار خودشان را در خاورمیانه خواهند داشت و سیاست مهار ایران را به‌شدت ادامه خواهند داد. عربستان هم به همین صورت و شاید از لحاظ‌هایی هم بیشتر و تندتر از اسرائیل باشد. عربستان اکنون بیشتر به دنبال وقوع جنگ و در نهایت تجزیه ایران است. البته نفوذ عربستان خیلی کمتر از نفوذ اسرائیل در واشنگتن است، اما آنها هم پول و لابی خودشان را دارند و فشار می‌کند و زیرساخت‌های محکمی دارد. با هیلاری کلینتون هم رابطه خوبی دارند و مانند گذشته تأثیرگذار خودشان را در خاورمیانه خواهند داشت و سیاست مهار ایران را به‌شدت ادامه خواهند داد. عربستان هم به همین صورت و شاید از لحاظ‌هایی هم بیشتر و تندتر از اسرائیل باشد. عربستان اکنون بیشتر به دنبال وقوع جنگ و در نهایت تجزیه ایران است. البته نفوذ عربستان خیلی کمتر از نفوذ اسرائیل در واشنگتن است، اما آنها هم پول و لابی خودشان را دارند و فشار می‌کند و زیرساخت‌های محکمی دارد. با هیلاری کلینتون هم رابطه خوبی دارند و مانند گذشته تأثیرگذار خودشان را در خاورمیانه خواهند داشت و سیاست مهار ایران را به‌شدت ادامه خواهند داد. عربستان هم به همین صورت و شاید از لحاظ‌هایی هم بیشتر و تندتر از اسرائیل باشد. عربستان اکنون بیشتر به دنبال وقوع جنگ و در نهایت تجزیه ایران است. البته نفوذ عربستان خیلی کمتر از نفوذ اسرائیل در واشنگتن است، اما آنها هم پول و لابی خودشان را دارند و فشار می‌کند و زیرساخت‌های محکمی دارد. با هیلاری کلینتون هم رابطه خوبی دارند و مانند گذشته تأثیرگذار خودشان را در خاورمیانه خواهند داشت و سیاست مهار ایران را به‌شدت ادامه خواهند داد. عربستان هم به همین صورت و شاید از لحاظ‌هایی هم بیشتر و تندتر از اسرائیل باشد. عربستان اکنون بیشتر به دنبال وقوع جنگ و در نهایت تجزیه ایران است. البته نفوذ عربستان خیلی کمتر از نفوذ اسرائیل در واشنگتن است، اما آنها هم پول و لابی خودشان را دارند و فشار می‌کند و زیرساخت‌های محکمی دارد. با هیلاری کلینتون هم رابطه خوبی دارند و مانند گذشته تأثیرگذار خودشان را در خاورمیانه خواهند داشت و سیاست مهار ایران را به‌شدت ادامه خواهند داد. عربستان هم به همین صورت و شاید از لحاظ‌هایی هم بیشتر و تندتر از اسرائیل باشد. عربستان اکنون بیشتر به دنبال وقوع جنگ و در نهایت تجزیه ایران است. البته نفوذ عربستان خیلی کمتر از نفوذ اسرائیل در واشنگتن است، اما آنها هم پول و لابی خودشان را دارند و فشار می‌کند و زیرساخت‌های محکمی دارد. با هیلاری کلینتون هم رابطه خوبی دارند و مانند گذشته تأثیرگذار خودشان را در خاورمیانه خواهند داشت و سیاست مهار ایران را به‌شدت ادامه خواهند داد. عربستان هم به همین صورت و شاید از لحاظ‌هایی هم بیشتر و تندتر از اسرائیل باشد. عربستان اکنون بیشتر به دنبال وقوع جنگ و در نهایت تجزیه ایران است. البته نفوذ عربستان خیلی کمتر از نفوذ اسرائیل در واشنگتن است، اما آنها هم پول و لابی خودشان را دارند و فشار می‌کند و زیرساخت‌های محکمی دارد. با هیلاری کلینتون هم رابطه خوبی دارند و مانند گذشته تأثیرگذار خودشان را در خاورمیانه خواهند داشت و سیاست مهار ایران را به‌شدت ادامه خواهند داد. عربستان هم به همین صورت و شاید از لحاظ‌هایی هم بیشتر و تندتر از اسرائیل باشد. عربستان اکنون بیشتر به دنبال وقوع جنگ و در نهایت تجزیه ایران است. البته نفوذ عربستان خیلی کمتر از نفوذ اسرائیل در واشنگتن است، اما آنها هم پول و لابی خودشان را دارند و فشار می‌کند و زیرساخت‌های محکمی دارد. با هیلاری کلینتون هم رابطه خوبی دارند و مانند گذشته تأثیرگذار خودشان را در خاورمیانه خواهند داشت و سیاست مهار ایران را به‌شدت ادامه خواهند داد. عربستان هم به همین صورت و شاید از لحاظ‌هایی هم بیشتر و تندتر از اسرائیل باشد. عربستان اکنون بیشتر به دنبال وقوع جنگ و در نهایت تجزیه ایران است. البته نفوذ عربستان خیلی کمتر از نفوذ اسرائیل در واشنگتن است، اما آنها هم پول و لابی خودشان را دارند و فشار می‌کند و زیرساخت‌های محکمی دارد. با هیلاری کلینتون هم رابطه خوبی دارند و مانند گذشته تأثیرگذار خودشان را در خاورمیانه خواهند داشت و سیاست مهار ایران را به‌شدت ادامه خواهند داد. عربستان هم به همین صورت و شاید از لحاظ‌هایی هم بیشتر و تندتر از اسرائیل باشد. عربستان اکنون بیشتر به دنبال وقوع جنگ و در نهایت تجزیه ایران است. البته نفوذ عربستان خیلی کمتر از نفوذ اسرائیل در واشنگتن است، اما آنها هم پول و لابی خودشان را دارند و فشار می‌کند و زیرساخت‌های محکمی دارد. با هیلاری کلینتون هم رابطه خوبی دارند و مانند گذشته تأثیرگذار خودشان را در خاورمیانه خواهند داشت و سیاست مهار ایران را به‌شدت ادامه خواهند داد. عربستان هم به همین صورت و شاید از لحاظ‌هایی هم بیشتر و تندتر از اسرائیل باشد. عربستان اکنون بیشتر به دنبال وقوع جنگ و در نهایت تجزیه ایران است. البته نفوذ عربستان خیلی کمتر از نفوذ اسرائیل در واشنگتن است، اما آنها هم پول و لابی خودشان را دارند و فشار می‌کند و زیرساخت‌های محکمی دارد. با هیلاری کلینتون هم رابطه خوبی دارند و مانند گذشته تأثیرگذار خودشان را در خاورمیانه خواهند داشت و سیاست مهار ایران را به‌شدت ادامه خواهند داد. عربستان هم به همین صورت و شاید از لحاظ‌هایی هم بیشتر و تندتر از اسرائیل باشد. عربستان اکنون بیشتر به دنبال وقوع جنگ و در نهایت تجزیه ایران است. البته نفوذ عربستان خیلی کمتر از نفوذ اسرائیل در واشنگتن است، اما آنها هم پول و لابی خودشان را دارند و فشار می‌کند و زیرساخت‌های محکمی دارد. با هیلاری کلینتون هم رابطه خوبی دارند و مانند گذشته تأثیرگذار خودشان را در خاورمیانه خواهند داشت و سیاست مهار ایران را به‌شدت ادامه خواهند داد. عربستان هم به همین صورت و شاید از لحاظ‌هایی هم بیشتر و تندتر از اسرائیل باشد. عربستان اکنون بیشتر به دنبال وقوع جنگ و در نهایت تجزیه ایران است. البته نفوذ عربستان خیلی کمتر از نفوذ اسرائیل در واشنگتن است، اما آنها هم پول و لابی خودشان را دارند و فشار می‌کند و زیرساخت‌های محکمی دارد. با هیلاری کلینتون هم رابطه خوبی دارند و مانند گذشته تأثیرگذار خودشان را در خاورمیانه خواهند داشت و سیاست مهار ایران را به‌شدت ادامه خواهند داد. عربستان هم به همین صورت و شاید از لحاظ‌هایی هم بیشتر و تندتر از اسرائیل باشد. عربستان اکنون بیشتر به دنبال وقوع جنگ و در نهایت تجزیه ایران است. البته نفوذ عربستان خیلی کمتر از نفوذ اسرائیل در واشنگتن است، اما آنها هم پول و لابی خودشان را دارند و فشار می‌کند و زیرساخت‌های محکمی دارد. با هیلاری کلینتون هم رابطه خوبی دارند و مانند گذشته تأثیرگذار خودشان را در خاورمیانه خواهند داشت و سیاست مهار ایران را به‌شدت ادامه خواهند داد. عربستان هم به همین صورت و شاید از لحاظ‌هایی هم بیشتر و تندتر از اسرائیل باشد. عربستان اکنون بیشتر به دنبال وقوع جنگ و در نهایت تجزیه ایران است. البته نفوذ عربستان خیلی کمتر از نفوذ اسرائیل در واشنگتن است، اما آنها هم پول و لابی خودشان را دارند و فشار می‌کند و زیرساخت‌های محکمی دارد. با هیلاری کلینتون هم رابطه خوبی دارند و مانند گذشته تأثیرگذار خودشان را در خاورمیانه خواهند داشت و سیاست مهار ایران را به‌شدت ادامه خواهند داد. عربستان هم به همین صورت و شاید از لحاظ‌هایی هم بیشتر و تندتر از اسرائیل باشد. عربستان اکنون بیشتر به دنبال وقوع جنگ و در نهایت تجزیه ایران است. البته نفوذ عربستان خیلی کمتر از نفوذ اسرائیل در واشنگتن است، اما آنها هم پول و لابی خودشان را دارند و فشار می‌کند و زیرساخت‌های محکمی دارد. با هیلاری کلینتون هم رابطه خوبی دارند و مانند گذشته تأثیرگذار خودشان را در خاورمیانه خواهند داشت و سیاست مهار ایران را به‌شدت ادامه خواهند داد. عربستان هم به همین صورت و شاید از لحاظ‌هایی هم بیشتر و تندتر از اسرائیل باشد. عربستان اکنون بیشتر به دنبال وقوع جنگ و در نهایت تجزیه ایران است. البته نفوذ عربستان خیلی کمتر از نفوذ اسرائیل در واشنگتن است، اما آنها هم پول و لابی خودشان را دارند و فشار می‌کند و زیرساخت‌های محکمی دارد. با هیلاری کلینتون هم رابطه خوبی دارند و مانند گذشته تأثیرگذار خودشان را در خاورمیانه خواهند داشت و سیاست مهار ایران را به‌شدت ادامه خواهند داد. عربستان هم به همین صورت و شاید از لحاظ‌هایی هم بیشتر و تندتر از اسرائیل باشد. عربستان اکنون بیشتر به دنبال وقوع جنگ و در نهایت تجزیه ایران است. البته نفوذ عربستان خیلی کمتر از نفوذ اسرائیل در واشنگتن است، اما آنها هم پول و لابی خودشان را دارند و فشار می‌کند و زیرساخت‌های محکمی دارد. با هیلاری کلینتون هم رابطه خوبی دارند و مانند گذشته تأثیرگذار خودشان را در خاورمیانه خواهند داشت و سیاست مهار ایران را به‌شدت ادامه خواهند داد. عربستان هم به همین صورت و شاید از لحاظ‌هایی هم بیشتر و تندتر از اسرائیل باشد. عربستان اکنون بیشتر به دنبال وقوع جنگ و در نهایت تجزیه ایران است. البته نفوذ عربستان خیلی کمتر از نفوذ اسرائیل در واشنگتن است، اما آنها هم پول و لابی خودشان را دارند و فشار می‌کند و زیرساخت‌های محکمی دارد. با هیلاری کلینتون هم رابطه خوبی دارند و مانند گذشته تأثیرگذار خودشان را در خاورمیانه خواهند داشت و سیاست مهار ایران را به‌شدت ادامه خواهند داد. عربستان هم به همین صورت و شاید از لحاظ‌هایی هم بیشتر و تندتر از اسرائیل باشد. عربستان اکنون بیشتر به دنبال وقوع جنگ و در نهایت تجزیه ایران است. البته نفوذ عربستان خیلی کمتر از نفوذ اسرائیل در واشنگتن است، اما آنها هم پول و لابی خودشان را دارند و فشار می‌کند و زیرساخت‌های محکمی دارد. با هیلاری کلینتون هم رابطه خوبی دارند و مانند گذشته تأثیرگذار خودشان را در خاورمیانه خواهند داشت و سیاست مهار ایران را به‌شدت ادامه خواهند داد. عربستان هم به همین صورت و شاید از لحاظ‌هایی هم بیشتر و تندتر از اسرائیل باشد. عربستان اکنون بیشتر به دنبال وقوع جنگ و در نهایت تجزیه ایران است. البته نفوذ عربستان خیلی کمتر از نفوذ اسرائیل در واشنگتن است، اما آنها هم پول و لابی خودشان را دارند و فشار می‌کند و زیرساخت‌های محکمی دارد. با هیلاری کلینتون هم رابطه خوبی دارند و مانند گذشته تأثیرگذار خودشان را در خاورمیانه خواهند داشت و سیاست مهار ایران را به‌شدت ادامه خواهند داد. عربستان هم به همین صورت و شاید از لحاظ‌هایی هم بیشتر و تندتر از اسرائیل باشد. عربستان اکنون بیشتر به دنبال وقوع جنگ و در نهایت تجزیه ایران است. البته نفوذ عربستان خیلی کمتر از نفوذ اسرائیل در واشنگتن است، اما آنها هم پول و لابی خودشان را دارند و فشار